ایران حوادث

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

• پنجشنبه، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲
• ۱۳ شوال ۱۴۴۴
• سال بیست و نهم
• شماره ۸۱۷۶

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

فریادهای خاموش نیلوفران آبی

۲۱ سال قبل در چنین روزی حادثه دریاچه پارک شهر تهران رخ داد

اگر زنده بود امروز برای خودش خانمی شده بود. شاید هم بچه داشت و حسابی از بودن کنار فرزندش لذت می‌برد، اما خیلی زود رفت. سن وسالی هم نداشت.

۱۲

پوریا آرزو داشت خلبان شود؛ بالاخره پرواز کرد

غمناک‌ترین لالایی مادر

پوریا - قربانی جنایت

مجید ۱۷ ساله پشت در آهنی بازداشتگاه به خاطر قتل پوریا در انتظار محاکمه است

معصومه مرادپور/ مادر زیر لب برای پوریا لالایی می‌خواند، برای تنها فرزندش که قرار بود خلبان شود اما زودتر از آن چیزی که فکر می‌کرد پسرش اوج گرفت و به آسمان پرواز کرد...

مادر سیاهپوش شد و چشمان خیسش در میان ابرهای بهاری گم شد، پدر سکوت را در آغوش گرفته است و از غم از دست دادن پسرش حوصله‌ای برایش نمانده است. بغض‌های سنگین پدر در صورتش موج می‌زند. او نمی‌تواند حرف بزند و فقط نگاه می‌کند.

مادر۴۲ساله دستانش می‌لرزد. او هنوز باور ندارد پوریا رفته است و چشمانش در انتظار آمدنش توانای پلک زدن ندارد.

او عکس کودکی پوریا را نشان می‌دهد، زمانی که اولین شمع کیک تولدش را فوت کرد، هنگامی که هنوز فوت کردن را هم بلد نبود. بعد عکسی را نشان می‌دهد از وقتی که پوریا کلاه خلبانی بر سر داشت. او می‌گوید: پوریا دلش می‌خواست خلبان شود...آخر هم کار خودش را کرد و پرواز کرد ولی نمی‌دانم کی و کجا خلبانی را یاد گرفته بود...

پوریا مانند خیلی از همسن و سال‌هایش به ورزش علاقه داشت، عضو باشگاه فوتبال شاهین البرز بود، به بوکس هم علاقه زیادی داشت و حکم قهرمانی هم گرفته بود.

کلاس دوازدهم رشته علوم انسانی را می‌خواند...

قرار بود همین یک ماه دیگر دیپلم‌اش را بگیرد و در کلاس‌های خلبانی شرکت کند.

اوقات‌فراغتش را با انجام طراحی گرافیک برای شرکت‌های مختلف می‌گذراند. درآمد زیادی نداشت اما دوست داشت دستش در جیب خودش باشد.

آرام بود و مؤدب. احساس می‌کنم دنیا برای او تنگ شده بود که این‌طور پرواز کرد. نمی‌دانم حکمت خدا را، ولی تنها چیزی که می‌دانم این است که برای تربیت فرزندم من و پدرش از جانمان مایه گذاشتیم. باور نمی‌کنم او رفته باشد و هنوز که هنوز است چشمم به در است تا برگردد.

نزاع خونین در بوستان مهر

همه چیز از یک درگیری لفظی در بوستان مهر کیانمهر کرج شروع شد.

پوریا بعدازظهر بعد از اینکه کارش تمام شد به پارک رفت تا دوستش را ببیند. دوستش با پسر دیگری جر و بحث کرده بودند و هرچه بود تمام شده بود. بعد از مدتی که غائله ختم شده بود، پسر غریبه رفته بود چند نفر را اجیر کرده و برای دعوا آورده بود. وقتی پسر غریبه می‌خواست با چاقو دوستش را بزند، پوریا میانجیگری می‌کند تا دوستش زخمی نشود اما ضربه‌های چاقو به سر و گردن پوریا وارد می‌شود.

پوریا در بیمارستان

من در خانه بودم که خبر دادند پوریا را به بیمارستان مدنی بردند. سراسیمه هر طوری بود خودم را به بیمارستان رساندم. پدر پوریا سر کار بود و اطلاعی نداشت. وقتی رسیدم به بخش اورژانس بیمارستان پسرم غرق در خون بود. او را خیلی فوری بردند اتاق عمل و وقتی بیرون آمد پزشکان رضایتی از سلامتی او نداشتند. قطع نخاع شده و بینایی چشمان پسرم از بین رفته بود که بعد از مدت کوتاهی پسرم در بیمارستان فوت کرد.

دستگیری قاتل با تلاش پلیس

قاتل که پسر نوجوانی بود پس از این ماجرا پا به فرار گذاشته بود که پس از چند روز مأموران پلیس مخفیگاهش را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم پس ازبازجویی قتل پسرم را به گردن گرفت.

خواستار قصاص قاتل فرزندم هستم

مادر پوریا درباره مجازات قاتل فرزندش گفت: من و پدرش درخواست قصاص عامل قتل پسرمان را داریم. او زندگی‌مان را از ما گرفت. او را هرگز نمی‌بخشم و آن‌طور که می‌دانم بخشش این فرد یعنی اینکه او دوباره در جامعه فرد دیگری را هم خواهد کشت. پسر من قربانی او شد. او باید در ملأعام قصاص شود تا درس عبرت سایرین شود.

خانواده‌ها مراقب فرزندانشان باشند

این مادر دلسوخته به خانواده‌ها توصیه کرد مراقب فرزندانشان باشند و آنها را رها نکنند تا افرادی مانند ما سیاهپوش و داغدار نشویم...

چرا باید نوجوانان در پارک‌ها رها شوند؟ چرا باید چاقو به دست باشند؟ باید برای تربیت فرزندانشان وقت بگذارند.

بنا براین گزارش، رسیدگی به این پرونده از ۲۱ فروردین امسال در جریان درگیری خونین در یکی از بوستان‌های کیانمهر کرج شروع شد. وقتی پوریا زخمی شد خیلی زود به بیمارستان منتقل شد و طولی نکشید که وی در اثر عمق ضربه‌های چاقویی که بر سر و گردنش وارد شده بود جان باخت.

با مرگ پوریا، کارآگاهان جنایی برای دستگیری متهم متواری تیم ویژه‌ای را تشکیل دادند. با تحقیقات گسترده سرانجام رد پای متهم چند روز بعد در یکی از شهرستان‌های دور شناسایی شد و در یک عملیات غافلگیرانه متهم در مخفیگاهش دستگیر شد.

داستان عجیب برای پسری که شب را خارج از خانه گذراند

سایه شوم در خانه فساد شهلا

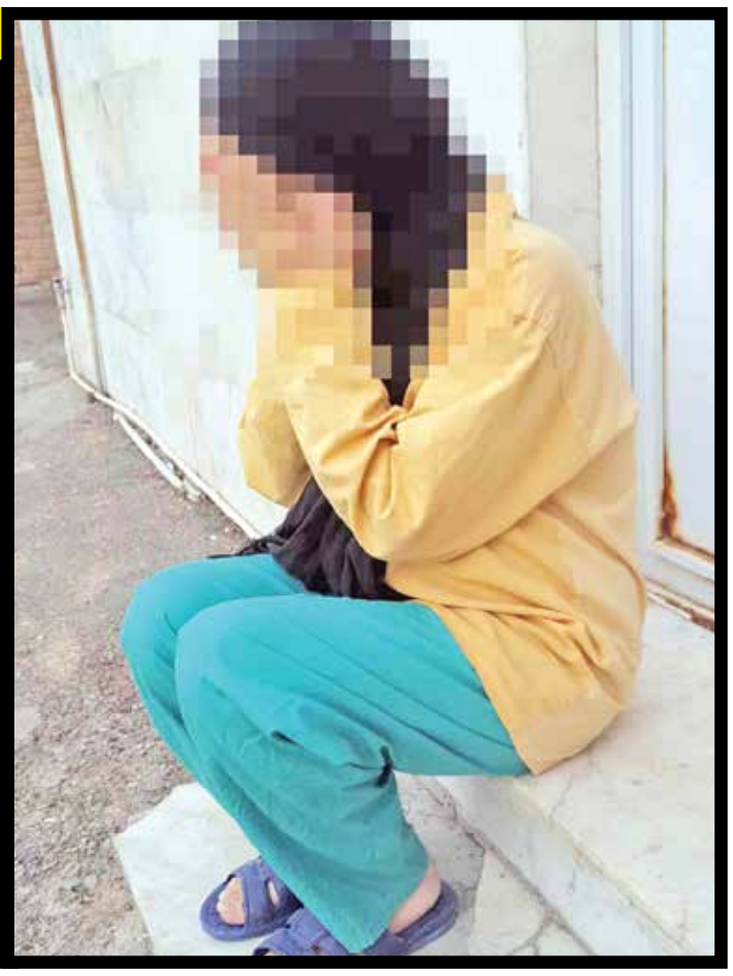

دختر با خوراندن قرص متادون به نامزدش وی را تا یک قدمی پرتگاه مرگ کشاند.

پرونده این دختر درحالی در دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت که پسر جوان پس از خارج شدن از کما دچار عارضه مغزی شدید شده است.

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شهریور ماه سال گذشته به دنبال انتقال پیکر نیمه جان پسری جوان به نام نیما به بیمارستان بهارلو آغاز شد. بررسی‌های پزشکی نشان می‌داد وی به خاطر مصرف بیش از حد قرص متادون به کما رفته است. آثار ضرب و شتم روی بدن پسر جوان، شک پزشکان را برانگیخت و پلیس وارد عمل شد.

دوست نیما به نام نادر که وی را به بیمارستان منتقل کرده بود به مأموران گفت: نیما به خانه نامزدش شهلا در شهرری رفته بود که شهلا با من تماس گرفت و گفت حال نیما بد شده و باید او را به بیمارستان منتقل کنیم. شهلا می‌گفت نیما بیشتر از ۱۰ قرص متادون خورده است. من بلافاصله خودم را به آنجا رساندم و با اورژانس تماس گرفتم.

با اظهارات این مرد، شهلا تحت بازجویی قرار گرفت. وی گفت: آن روز تلفنی با نیما صحبت می‌کردم که با هم بحث کردیم. او سپس مقابل خانه‌مان آمد. نمی‌خواستم اجازه بدهم وارد خانه شود اما وقتی دیدم مشروب خورده و حال طبیعی ندارد در را باز کردم. بحث میان ما بالا گرفت و چندین قرص متادون خورد تا آرام شود اما حالش بد شد.

با اظهارات این زن، مأموران به بررسی و پرس و جو از همسایه‌ها پرداختند و مشخص شد همسایه‌ها بارها از شهلا و مادرش شکایت کرده و مدعی هستند این مادر و دختر خانه‌شان را به محل فساد تبدیل کرده‌اند.

به این ترتیب مأموران ۳ هفته خانه شهلا و مادرش را زیرنظر گرفتند و مشخص شد در این مدت افراد مشکوکی به آنجا رفت و آمد دارند.

بدین ترتیب شهلا بازداشت شد و ادعای جدیدی را مطرح کرد.

وی گفت: من و نیما از ماه‌ها قبل باهم آشنا شدیم. او به خانه ما رفت و آمد داشت و ما قصد داشتیم باهم ازدواج کنیم. اما چند روز پیش از اینکه حال نیما بد شود با هم دعوا کردیم. به او تأکید کردم که دیگر حق ندارد به خانه ما بیاید. اما او آخرین بار با حال بدی مقابل خانه‌مان آمد. وقتی حال و روزش را دیدم و چون می‌دانستم قبلاً هم چندبار دست به خودکشی زده بود در خانه را برایش باز کردم. از من خواست تا برای آرامش قرص متادون به او بدهم. من هم یک قرص به او دادم اما بعداً متوجه شدم چندین قرص خورده است.

این ادعا در حالی مطرح شد که پزشکی قانونی اعلام کرده بود نیما حدود ۳۰ قرص متادون و ۳۰ قرص کلونازپام مصرف کرده است و آثار ضرب و شتم بر بدن وی نمایان است.

شهلا در بازجویی‌های بعدی درباره آثار ضرب و شتم گفت: من با نیما هیچ مشکلی نداشتم که بخواهم او را کتک بزنم یا نقشه قتل او را بکشم. او وقتی به خانه‌مان آمد سر و وضع درستی نداشت و می‌گفت با شخصی درگیر شده است. او اهل دعوا و درگیری بود و احتمالاً هم قبل از اینکه به خانه من بیاید با یک نفر درگیر شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

وی درباره شکایت همسایه‌ها مبنی بر اینکه خانه‌اش را تبدیل به خانه فساد کرده بود نیز گفت: ما با کسی در ارتباط نیستیم. فقط نیما به خانه ما رفت و آمد داشت که قرار بود با هم ازدواج کنیم گاهی اوقات هم نامزد مادرم به خانه‌مان رفت و آمد دارد.

در حالی که نیما در بیمارستان از کما خارج شده بود پزشکان اعلام کردند، به علت قطع چند ثانیه‌ای اکسیژن، وی دچار عارضه مغزی شده و دیگر نمی‌تواند حرکت کند و ممکن است هیچ‌گاه نتواند دست و پایش را تکان دهد.

با این اظهارنظر برای شهلا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

وی قرار است بزودی از خود دفاع کند.

اعتراف مرد قمه‌کش در مدرسه پسرش

مرد قوی‌هیکلی که به مدرسه پسرش حمله کرده و دست به قمه‌کشی زده بود، هم پشیمان و هم نگران درس خواندن پسرش است. سردار «حمید هداوند» فرمانده انتظامی استان البرز درباره این پرونده گفت: به دنبال انتشار فیلمی در فضای مجازی مبنی بر قمه‌کشی و تهدید یکی از معلمان توسط یکی از اوباش شهر کرج، بررسی موضوع در دستور کار سازمان اطلاعات فراجای استان البرز قرار گرفت.

بررسی‌های اولیه پلیس حاکی از این بود که متهم ولی یکی از دانش‌آموزان مدرسه است به دلیل اختلاف با یکی از معلمان به وسیله سلاح سرد اقدام به قدرت‌نمایی با قمه می‌کند.

فرمانده انتظامی استان البرز با بیان اینکه متهم پس از اطلاع از رسانه‌ای شدن موضوع متواری شده و در یکی از استان‌های غربی کشور مخفی شده بود، اضافه کرد: با تلاش‌های شبانه‌روزی و به‌کارگیری اقدامات اطلاعاتی پیچیده از سوی مأموران سازمان اطلاعات فراجا در استان البرز، مخفیگاه متهم شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد.

سردار هداوند در پایان خاطرنشان کرد: پلیس به هیچ عنوان قدرت‌نمایی و ایجاد احساس ناامنی از سوی اوباش را برنمی‌تابد و با مخلان امنیت برابر قانون برخورد می‌کند.

گفت‌وگو با پدر قمه‌کش

پدر قمه‌کش سر به زیر انداخته و دیگر خبری از قلدری‌هایش نیست :

چند سال داری؟

۴۸ سال.

چرا بازداشت شدی؟

وقتی پسرم از مدرسه آمد و گفت که معلمش او را تنبیه کرده، عصبانی شدم و به مدرسه رفتم.

شغلت قبل از بازداشت چه بود؟

شغلم آزاد است، از فروشندگی تا کارهای متفرقه انجام می‌دهم تا خرجی خانه را به دست آورم.

سابقه کیفری داری؟

خیر تا حالا بازداشت هم نشده‌ام.

پسرت در چه مقطعی درس می‌خواند؟

هشتم است.

الان که بازداشت شده‌ای چه احساسی داری؟

راستش را بخواهید پشیمانم و الان نگران تحصیل پسرم هستم.

چرا سعی نکردید موضوع را ازطریق قانونی پیگیری کنید؟

نمی‌دانم، زود خون‌ام به جوش آمد و اصلاً نفهمیدم چه کار می‌کنم....

اتاق درمان

چگونه افراد خطرناک را بشناسیم؟

دکتر مریم سامانی
روانشناس بالینی و استاد دانشگاه

به دلیل افزایش جنایت در سراسر جهان توجه به مسائل روانی مجرمان و جنایتکاران بیشتر شده است. بطور کلی باید گفت نمی‌توان تشخیص داد فردی که کنار شما در مترو نشسته در چه وضعیت روانی است و آیا یک فرد خطرناک تلقی می‌شود یا خیر؟ گاه افرادی که در خیابان هنگام خرید و در دیگر موقعیت‌های اجتماعی در کنار ما هستند، به اندازه یک قاتل خطرناک هستند. بر این اساس شناختن مکانیسم‌های ذهنی جنایتکاران قبل و بعد از ارتکاب جرم از اهمیت بسزایی برخوردار است، موجب درک عملکرد آنان و مهار جرم خواهد شد. یکی از دلایلی که در گذشته تصور می‌شد که با جنایت مرتبط باشد ژنتیک بود، برای مثال اگر کودکی اسکیزوفرنی باشد و پدرش یک قاتل و متجاوز به عنف با احتمال زیادی به سمت ارتکاب جرم حرکت خواهد کرد، اما اگر این کودک تحت محیط مناسب و آموزش قرار گیرد در لیست مجرمان قرار نخواهد گرفت بنابراین باید به تأثیر و اهمیت موقعیت و محیط زندگی توجه داشت. مشکلات مالی، پایین بودن موقعیت‌های اجتماعی به این علت که افراد تحت فشارهای بیشتری قرار می‌گیرند در برخی از موارد منجر به سوق دادن به سمت جرم می‌شود. باید گفت عوامل روانشناختی و اجتماعی بر عملکرد مغزانسان و رفتار او تأثیر می‌گذارد تکرار جرم یکی دیگر از مقوله‌هایی است که در تمام کشورها مورد توجه قرار دارد براساس نتایج پژوهش‌ها اگر مجرمانی که در معرض خطر ارتکاب دوباره جرم قرار دارند در اولویت نظام‌های حمایتی و روانی قرار گیرند جرم به صورت قابل توجهی کاهش پیدا خواهد کرد. یکی از راه‌های کاهش تکرار جرم تغییر محیط مجرم پس از پایان دوره محکومیت او است. زیرا مجازات مجرمان در حقیقت بستری است که آنان را به سمت درک اشتباه سوق می‌دهد و اگر فرد پس از پایان مجازات دوباره به محیطی که توسط دیگران تقویت و یا در آن تحقیر شده بازگردد، اجازه پیدا نخواهد کرد که تغییر صورت گرفته دوره محکوم پایدار بماند. بنابراین تغییر محیط به عنوان یک کاتالیزور در کاهش جرم خواهد بود زیرا می‌تواند فصل جدیدی از زندگی را آغاز کند. انگیزه برای تغییر کردن موجب می‌شود که به صورت درونی از تکرار جرم فاصله بگیرد.

تک خبر

بازداشت قاتل فراری در پارتی شبانه قیطریه

عامل جنایت در فومن در بزم شبانه قیطریه به دام افتاد. به گزارش «ایران»، اواسط سال گذشته رسیدگی به پرونده قتل مرد جوان در جریان نزاع دسته‌جمعی در شهرستان فومن در دستور کار مأموران انتظامی این شهر قرار گرفت. در جریان تحقیقات، عامل جنایت شناسایی شد اما از مهلکه گریخته بود و ردیابی او در دستور کار قضایی قرار گرفت، تا اینکه شب گذشته متهم به قتل در یک بزم شبانه در قیطریه تهران دستگیر شد و این در حالی بود که در این بزم مقادیر زیادی مشروبات الکلی هم کشف شد. بعد از دستگیری متهم مشخص شد در جریان نزاع دستش مورد اصابت ضربه تبر قرار گرفته و دچار معلولیت شده است. پرونده با نیابت قضایی به شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.